

جنگش‌های ناسیونالیستی کُردی

در ترکیه از ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱

سرکوب، مقاومت، جنگ، آموزش به زبان مادری و
روابط با حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG)

رابرت آلن

ترجمه‌ی هاشم کرمی

پانیزد

۱۳۹۲

Mazda Publishers, Inc.
 Academic Publishers since 1980
 P.O. Box 2603, Costa Mesa, California 92628 U.S.A.
 www.mazdapub.com
 A. K. Jabbari, Publisher

Copyright © 2011 by Robert W. Olson

Olson, Robert W.

The Kurdish Nationalist Movements in Turkey, 1980 to 2011 : Oppression,
 Resistance, War, Education in the Mother Tongue and Relations with the
 Kurdistan Regional Government / Robert Olson.
 p. cm. — (Kurdish studies series ; no. 11)
 Includes index.

اولسون، رابرت Olson, Robert W.	سرشناسه
جنبش‌های ناسیونالیستی کردی در ترکیه از ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱ / رابرت الین : ترجمه هاشم کریمی.	عنوان و نام پدیدآور
نوران : پامک، ۱۳۹۱.	مشخصات نشر
۲۱۶ ص ۱/۱۳۵/۱۳۰۵/۱۳۰۵	مشخصات ظاهری
۶۰۰۰۰ ران: ۹۷۸-۹۶۴-۱۰۰۰-۷۹۰-۸	شابک
فیا	وضعیت فهرست نویسی
عنوان اصلی: The Kurdish nationalist movements in Turkey, 1980 to 2011 : oppression, resistance, war, education in the mother tongue and relations with the Kurdistan Regional Government, 2011.	یادداشت
حزب کارگران کردستان	موضوع
کردستان(عراق)دولت منطقه ای کردستان-عراق	موضوع
ملی گرای - ترکیه - تاریخ - قرن ۲۰ م	موضوع
ملی گرای - ترکیه - تاریخ - قرن ۲۱ م	موضوع
کردان - ترکیه - سیاست و حکومت - قرن ۲۰ م	موضوع
کردان - ترکیه - سیاست و حکومت - قرن ۲۱ م	موضوع
جولان - ترکیه - فعالیت های سیاسی	موضوع
ترکیه - سیاست و حکومت - ۱۹۸۰ م -	موضوع
کریمی، هاشم، ۱۳۶۲ - مترجم	شناسه افزوده
TDR ۰۲۰۸۹۹۱۵۹۷۰۵۶۱/۲۲۰	رده بندی کنگره
۵۳۰۸۹۹۱۵۹۷۰۵۶۱/۲۲۰	رده بندی دیویی
۲۹۵۲۲/۲	شماره کتابشناسی ملی



نشر پانیذ

جنبش‌های ناسیونالیستی کردی در ترکیه از ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱

دایرته آلسن

ترجمه‌ی هاشم کرمی

نویشت اول ۱۳۹۲

شمارگان ۲۰۰۰

لیتوگرافی باختیر

چاپ دالاهو

تهران خیابان انقلاب خیابان ابوریحان نبش خیابان وحید نظری پلاک ۲۶

۲۲۱۹۰۹۵۱-۶۶۴۱۵۹۸۲

nashrepaniz@hotmail.com

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۱۰۵-۷۹-۸ ISBN 978-964-7105-79-8

۰۸۷۱۲۲۲۸۳۲۷

مرکز پخش: مستندج کتاب میدیا

تقدیم به مردم گُرد که هویت و نژادشان دیگر به عنوان "مسئله"،
"مشکل" یا "قضیه" مطرح نیست، بلکه اعتماد به نفس بیشتری برایشان
به همراه خواهد داشت.
(پروفسور رابرت آلن)

تقدیم به مردمان سرزمین مادری ام.
(هاشم کرمی)

فهرست مطالب

مقدمه ۲۳

فصل اول

- سرکوب، جنگ، مقاومت، آموزش به زبان مادری، خود مختاری دموکراتیک و روابط با حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) ۳۳
- نظام نخبه‌پانان روستا و وحشی‌گری‌هایش ۳۸
- مصالحه بر سر جبران خسارات ۴۱
- ارگنکون و کردها ۴۱
- انگیزه‌های توطئه کران ارگنکون ۴۹
- ارگنکون، کردها و خیرش ناسیونالیسم ۵۱
- وحشی‌گری‌های بیشتر ارگنکون علیه کردها ۵۹
- چاه‌های اسید ۶۲

فصل دوم

آموزش به زبان مادری ۶۵

کردی در پارلمان ۷۵

پخش برنامه به زبان مادری و واکنش‌ها به آن ۷۷

جنگ لفظی: استفاده از زبان مادری در جنوب شرق ۸۱

ورود سازمان‌های غیرحکومتی (NGO) ترکیه به کشمکش «آموزش به زبان

مادری» ۸۵

تمرکز زدایی اداری برای ترکیه ۹۱

گشایش دموکراتیک: قانون و عدالت در قضیه کردی ۱۰۱

محاكمه انجمن های دموکراتیک کردستان (KCK) در دیاربکر ۱۰۴

محاكمه انجمن های دموکراتیک کردستان (KCK) و مسئله زبان ۱۱۰

اعطای حق آموزش به زبان مادری ۱۱۵

پس از محاكمه انجمن های دموکراتیک کردستان (KCK) ۱۲۱

پاسخ حکومت به مطالبات دو زیانه باید میر و دمیرناش ۱۲۸

ورود مؤسسه ی تجار و صنعتگران ترکیه (TÜSIAD) به بحث ۱۳۳

طرح خودمختاری دموکراتیک کردها ۱۳۷

انتقاد احسان داغی از طرح خودمختاری دموکراتیک ۱۴۱

پیوستن جلال طالبانی به بحث خودمختاری دموکراتیک ۱۴۴

بحث های بیشتر بین دمیرناش و اردوغان ۱۴۸

جنگ لفظی اوجالان-باید میر ۱۵۰

مذاکرات حزب صلح و دموکراسی (BDP) و حزب خلق جمهوری خواه (CHP) ۱۵۹

پیوستن سرگین تانریکولو به حزب خلق جمهوری خواه (CHP) ۱۶۱

گسترش سیاسی مسئله کردی ۱۶۵

حزب کارگران کردستان (PKK)، اوجالان و فتح ۱۶۸

مواجهه احمد ترک و آیسل توغلوک با جمعیت طرفدار اوجالان ۱۷۴

فصل سوم

روابط ترکیه با حکومت منطقه ای کردستان (KRG) از ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷

انتخابات محلی ۲۹ مارس ۲۰۰۹ و پس از آن

راهبرد دولت ترکیه، حزب عدالت و توسعه (AKP)، نیروهای مسلح ترکیه

(TAF)، سازمان اطلاعات ملی (MIT) و دیگر بازیگران ۱۷۷

راهنمای حزب کارگران کردستان (PKK) و حزب جامعه دموکراتیک (DTP)..... ۱۸۵

موضع حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) و حزب دموکرات کردستان (KDP)..... ۱۸۸

موضع حکومت بغداد ۱۹۳

نتیجه گیری ۱۹۶

فرجام سخن ۲۰۹

فهرست راهنما ۲۱۱

www.ketab.ir

سپاسگزاری

خداوند را شاکرم که عمر ترجمه‌ی این اثر را به من بخشید. از همراهی بار صبورم، پگاه، و روحیه‌بخشی فرزند دلبندم، آریا، ممنونم. از پدر گرامی‌ام محمد کرمی و مادر عزیزم گلاویز علیزاده بخاطر زحماتی که در پرورش من متحمل شده‌اند، سپاسگزارم. امیدوارم این اثر گام کوچکی برای خرسندی آنها از فرزندشان باشد. همچنین، از کمک و حمایت پدرم برای نشر این اثر بسیار متشکرم، بی شک بدون همراهی ایشان این کار سختی‌های دوچندانی داشت.

از جناب آقای احمد کامرون جباری، مدیر انتشارات مزدا و حامی بزرگ‌منش مجموعه‌ی مطالعات کردی، در ایالات متحده کمال تشکر را دارم که من را از اعتماد خود بهره‌مند ساخت و به عنوان مترجم رسمی کتاب‌های مجموعه‌ی تحت حمایت خود پذیرفت. همچنین، از جناب پروفیسور رابرت آلسن سپاسگزارم که با گشاده‌رویی شاگردش را در تهیه و ترجمه‌ی این اثر یاری نمود. بدون شک ایشان یکی از بزرگانی هستند که در حافظه‌ی تاریخ کرد ماندگار خواهند شد. از جناب آقای حاتم علیمزادی مدیر انتشارات پانید که با روی باز و صمیمیتی بی‌نظیر چاپ و نشر این کتاب را به سرانجام رساندند بسیار متشکر و سپاسگزارم.

از خانم خاطره سلیمانی نیز بسیار متشکرم که کار ویرایش این اثر را با گشاده‌رویی پذیرفت. بدون شک دست‌نوشته‌های ترجمه‌ی این اثر بدون همت ایشان ناهمواری‌هایی را در بر داشت. بدیهی است که نواقص احتمالی نوشتار برآمده از دستکاری‌های مجدد اینجانب می‌باشد.

در پایان، یاد و خاطره زنده یاد دکتر ابراهیم یونسی، مترجم نامدار کُرد را گرامی می‌دارم. امیدوارم ما فرزندان نسل جدید بتوانیم راه این بزرگواران را ادامه دهیم. دیدن این مرد بزرگ از آرزوهای قلبی من بود.

یادداشت مترجم

با توجه به پیوندهای روزافزون سیاست کردی در ترکیه و سیاست کردی در عراق، برای توضیح این سیاست در خاورمیانه لازم است روابط کردهای ترکیه و عراق و اثرات متقابل آنها بر یکدیگر مورد بررسی قرار گیرد.

کردهای عراق پس از این که کشورشان در سال ۲۰۰۳ مورد حمله‌ای تحت رهبری ایالات متحده قرار گرفت، به عنوان بازیگر جدید خاورمیانه و متحد جدید ایالات متحده نمود بیشتری یافتند. پس از به رسمیت شناخته شدن منطقه‌ی خودمختار کردها در قانون اساسی عراق، آنها رسمیت بین‌المللی نیز پیدا کردند؛ این برای اولین بار بود که کردها دارای نهاد سیاسی مورد پذیرش در سطح بین‌المللی می‌شدند. تلاش و مبارزه‌ی کردها برای تعیین سرنوشتشان پس از جنگ جهانی اول، در قالب حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) نمایان شد. هم اکنون KRG به عنوان بازیگری فعال در عرصه‌ی سیاست منطقه‌ی خاورمیانه عمل می‌کند. این حکومت منطقه‌ای نه مانند ایالتی از یک کشور فدرال، بلکه چون کشوری نیمه مستقل در مذاکرات بین‌المللی وارد می‌شود.

امتیازات و مزایایی که کردهای عراق در قالب KRG بدان دست یافتند به الگوی سیاسی کردهای ترکیه تبدیل شد و آنها نیز بخصوص

پس از سال ۲۰۰۳ تلاش خود را برای نیل به حقوق سیاسی و فرهنگی بیشتر کرده‌اند. کردهای ترکیه پس از جنگ جهانی اول، برای اولین بار با تشکیل حزب کارگران کردستان (PKK) شورش‌های کوتاه مدت طی پنج دهه‌ی گذشته را به جنگ داخلی سختی با دولت ترکیه تبدیل کردند که خسارات سنگینی برای هر دو طرف به همراه داشته است. آنها برخلاف شورش‌های چند ماهه قبل این بار توانسته‌اند برای بیش از سه دهه آتش میدان نبرد را همچنان روشن نگه دارند. پس از سال ۲۰۰۳ و تغییراتی که در خاورمیانه روی داد کردهای ترکیه نیز درصدد استفاده از ابعاد قدرت نرم برآمدند و با تشکیل سازمان‌های مدنی و احزاب سیاسی با گراشات متفاوت، دولت ترکیه را از جوانب سیاسی مختلف تحت فشار قرار دادند.

درس‌های تاریخی که کردهای ترکیه از تجربه‌ی فعالیت سیاسی کردهای عراق می‌آموزند در نیل آنها به مقصود نقش مهمی ایفا خواهد کرد. کردهای عراق پس از دهه‌ها مبارزه‌ی سیاسی، متوجه کاستی‌های بنیادین در خط مشی خود شده‌اند و از این رو، حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) برای جبران کمبودهای ریشه‌دار اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و آموزشی درصدد تقویت روابط با کشورهای پیشرفته برآمده است. حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) در زمینه‌ی اقتصادی با پیگیری سیاست بازار آزاد و گسترش روابط تجاری با

همه‌ی بازیگران سیاسی بین‌المللی درصدد جبران کمبودهای اقتصادی برآمده و به نظر می‌رسد سیاست‌مداران کُرد عراق در پی الگوبرداری از دُبی هستند و می‌خواهند کردستان عراق را به مرکزی تجاری در منطقه تبدیل کنند. هم اکنون KRG فارغ از کسب ۱۳ درصد کل درآمدهای نفت عراق که بیش از ۱۰ میلیارد دلار است، از تجارت مرزی با ترکیه، ایران، سوریه و ترانزیت سوخت عراق درآمد قابل ملاحظه‌ای کسب می‌کند. سرمایه‌گذاری بیش از ۱۳ میلیارد دلار بین سالهای ۲۰۰۶-۲۰۱۰ در زمینه‌های رفاهی و اقتصادی مختلف نشانه‌ی تلاش کردهای عراق برای جبران عقب ماندگی در زمینه‌ی زیربناها و صنایع بنیادین است. اردوغان در ۶ سپتامبر سال ۲۰۰۷ برای نشان دادن همت دولتش برای فقرزدایی از جنوب شرق ترکیه که محل سکونت حدود ۱۵ میلیون کُرد است اظهار داشت، دولت وی حدود ۴ میلیارد دلار در جنوب شرق سرمایه‌گذاری کرده است، یعنی سالانه کمتر از یک میلیارد دلار. مقایسه‌ی این حجم سرمایه‌گذاری برای ۱۵ میلیون نفر و سرمایه‌گذاری ۱۳ میلیارد دلار در ۴ سال برای کمتر از ۵ میلیون نفر (نه همه کردهای عراق بلکه کردهای KRG) چشم اندازی واضح از آینده‌ی اقتصادی کردهای ترکیه در مقایسه با کردهای عراق ترسیم می‌کند. حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) برای تعامل بهتر با دیگر اقوام همسایه و ساکنین تحت حکومتش، در زمینه‌ی فرهنگی و سیاسی

نیز از الگوی تکثرگرایی فرهنگی و دموکراسی پیروی می‌کند. این حکومت برای تحکیم پیوند با کشورهای پیشرفته به جای زبان رسمی اول عراق، یعنی زبان عربی، بر آموزش زبان انگلیسی تأکید کرده است. امروزه، در تمام سطوح آموزشی از پیش دبستانی تا دانشگاه، از زبان‌های انگلیسی و کُردی استفاده می‌شود. به جرأت می‌توان گفت نسل بعدی کردهای عراق همان اندازه که با زبان ترکی آشنا هستند به زبان عربی آشنا خواهند بود که این امر به نوبه خود به جدایی هویتی بیشتر کردهای عراق از عراق عرب می‌انجامد.

در همان اوایل سال‌های پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی، کردهای ترکیه نیز همانند کردهای عراق، برای نیل به حقوق سیاسی خود به پا خاستند؛ اما با اعلام جهاد مسلمانان در برابر مسیحیان، کردهای ترکیه مطالبات قومی خود را در رده دوم اهمیت قرار دادند. آنها تنها به قول مصطفی کمال (آتاتورک) به کردها برای اعطای خودمختاری اکتفا نمودند و در کنار برادران مسلمان ترک نیروهای خارجی را از سرزمینشان بیرون راندند. ترک‌ها پس از آسودگی از نیروهای خارجی نیروهای نظامی خود را علیه کردها بسیج و از اعطای هرگونه خودمختاری یا حقوق فرهنگی و زبانی به کردها اعم از سنی و شیعه خودداری نمودند. قتل عام کردهای در سیم تنها نمونه‌ای از سرکوب کردها توسط نیروهای نظامی ترکیه است که

اخيراً در اقدامی نادر از سوی نخست‌وزیر ترکیه، رجب طیب اردوغان، مورد تأیید قرار گرفت. ترک‌ها که در زمان جنگ جهانی اول از احساسات مذهبی کردها برای مبارزه با نیروهای خارجی استفاده می‌شایانی برده بودند، در جنگ داخلی نیز این تجارب را به خوبی بکار بستند؛ با آغاز قیام در هر نقطه از کردستان ترکیه، اگر قیام کنندگان شیعه بودند، کردهای سنی را برای سرکوب یا حداقل عدم اتحاد با آنها مجاب می‌کردند و بالعکس. در واقع، با بررسی قتل عام درسیم، شکست شیخ رضا و شیخ سعید پیران، بیشتر روشن می‌شود که دولت ترکیه چگونه با استفاده از مؤلفه‌ی اختلافات مذهبی بین کردها آنها را مدیریت کرده است.

طی سه دهه اخیر از سال ۱۹۸۰ به بعد، کردهای ترکیه با تشکیل حزب کارگران کردستان (PKK) و توسل به ایدئولوژی غیرمذهبی تا حدودی توانستند شکاف مذهبی شیعه و سنی بین کردها را برای مبارزه‌ی سیاسی پر کنند. همچنین، با توجه به فقیر شدن گروه گسترده‌ای از کردهای ترکیه، خط مشی جنگاوران PKK با استقبال مواجه شد. کردهای ترکیه با استفاده از ایدئولوژی غیرمذهبی توانستند راهی بیابند که همگی، اعم از شیعه و سنی، کرمانجی و سورانی و زازا، سر یک میز بنشینند و عدم تفاهم ناشی از عدم شناخت یکدیگر را تا حدودی کمرنگ کنند. با این وجود، جامعه‌ی مذهبی کردهای

ترکیه نمی‌تواند بطور تمام عیار از یک ایدئولوژی غیرمذهبی حمایت و پشتیبانی کند و علت اصلی عدم فراگیر شدن قیام حزب کارگران کردستان در برابر دولت ترکیه را می‌توان در همین عامل جستجو کرد. در واقع، تغییرات چند سال اخیر در سیاست PKK نسبت به گرایش‌های مذهبی و تلاش برای عدم تلاقی با آن، ناشی از درک میزان مذهبی بودن کردهای ترکیه است. اما به هر حال، کردهای ترکیه توانستند با استفاده از ایدئولوژی چپ حزب مزبور در تعریف هویت کردی خود بهتر عمل کنند و برخلاف گذشته این بار ناچار نبودند هویت قومی را بخاطر هویت دینی نادیده بگیرند.

کردهای ترکیه علاوه بر تعریف هویت خود، توانسته‌اند با توسل به مفاهیم دیگری چون جغرافیای کردی و زبان کردی از تعیین‌کنندگی عامل مذهب در امور سیاسی کردها بکاهند. استفاده از روش‌های جدید در مبارزه‌ی سیاسی مانند راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای، تشکیل احزاب سیاسی، سازمان‌های مدنی، NGOها و سازمان‌های فرهنگی و آموزشی، همگی نشانه‌ای از آشنایی بیشتر کردهای ترکیه با علم سیاست است. البته هنوز هم اندیشمندان و سیاست‌مداران کرد ترکیه نتوانسته‌اند به راه‌حلی برای تعادل در بهره‌گیری از قدرت سخت و قدرت نرم دست یابند. پیدا نکردن راه‌حلی برای این امر مهم، مبارزات کردهای ترکیه برای نیل به حقوقشان را با مشکل مواجه

خواهد ساخت. کردهای ترکیه باید مانند کردهای عراق به این نتیجه برسند که مبارزه سیاسی ابعادی متفاوت و راههایی متعدد دارد. امروزه، کردهای عراق از نیروی نظامی بازدارنده‌ای موسوم به پیشمرگه بهره می‌برند اما در کنار این قدرت سخت، برای استفاده از ابعاد قدرت نرم نیز تعداد بسیار زیادی سازمان مدنی ایجاد کرده‌اند. در صورتی که کردهای ترکیه نیز به این نتایج برسند، از یک طرف اتحاد درونی آنها تقویت می‌شود و از طرف دیگر میزان فشار بر دولت ترکیه نیز دو چندان خواهد شد. نتیجه‌ی اولیه‌ی این آگاهی سیاسی می‌تواند اتحاد بین کردهای ناسیونالیست جنگاور مانند PKK و کردهای ناسیونالیست غیرجنگاور باشد.

بعلاوه، کردهای ترکیه علاوه بر مسائل سیاسی با مشکلات عدیده‌ی اقتصادی نیز مواجه هستند که این خود به اهرم مهمی برای مهار آنان توسط دولت ترکیه تبدیل شده است. از طرفی، بیکاری، آمار بالای بیسوادی و فقر موجب استقبال کردهای ترکیه از خط مشی جنگ طلبانه در برابر دولت شده است، و از طرف دیگر، همین فقر و کم سوادی توانایی گسترش قیام را از آنها گرفته است. دولت ترکیه بویژه حزب عدالت و توسعه (AKP) به خوبی از این نقطه ضعف کردها بهره‌برداری و به هنگام انتخابات با توزیع مواد غذایی و سوخت بخشی از آرای کردها را جذب کرده است. البته، این ساده انگاری

خواهد بود که رأی دادن کردها به AKP به این مؤلفه محدود شود. برای جذب آراء کردها به AKP دلایل دیگری نیز می‌توان اشاره کرد از جمله: جاذبه‌های ایده‌ی مذهبی این حزب، کم بودن آگاهی کردها از حقوق سیاسی و فرهنگی خود، عدم جذابیت ایده‌های سکولار احزاب کردی، و کمبود امکانات احزاب کردی برای هزینه جهت جذب آراء.

علاوه بر استفاده از نقاط ضعف جنبش‌های ناسیونالیستی کردی در ترکیه مانند آنچه ذکر شد، دولت ترکیه طیف وسیعی از اقدامات سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی را نیز اعمال می‌کند. این اقدامات از مذاکره تا بازداشت و حبس سیاست‌مداران، بستن احزاب سیاسی و ترور اندیشمندان و فعالان سیاسی و مدنی را در بر می‌گیرد. در کنار این اقدامات، دولت ترکیه و به‌خصوص حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان از اختلافات مذهبی بین کردهای سنی و علوی استفاده می‌کنند. علاوه بر اختلاف بین دو مذهب سنی و شیعه، اختلاف بین تفاسیر سنی شافعی و سنی حنفی نیز از چشم سیاست‌مداران ترک دور نمانده است. قریب به اتفاق کردهای سنی ترکیه پیرو مذهب شافعی هستند، این مذهب را می‌توان متعادل و سازگارترین مذهب از بین مذاهب چهارگانه‌ی تسنن دانست که در برابر مذهب تشیع نیز معتقد به خشونت نیست. در نتیجه، اتحاد

کردهای سنی و علوی در ترکیه با رواج تفسیر شافعی از اسلام امکان پذیری بیشتری خواهد داشت. از این رو، دولت ترکیه و بخصوص حزب عدالت و توسعه با تلاش و اختصاص بودجه‌ای قابل ملاحظه درصدد چیره نمودن تفسیر حنفی از اسلام در میان کردهای ترکیه است. تلاش سازمان یافته برای تعیین امامان جمعه‌ی شهرهای مناطق کردنشین از میان پیروان مذهب حنفی نشانه بارزی از این سیاست دولت ترکیه است.

سرانجام سخن این که به همان میزان که درک انسان از سیاست و ماهیت آن بیشتر می‌شود، می‌تواند دنیای اجتماعی بهتری برای خود بسازد. تاریخ کردها به خوبی نشان می‌دهد که آنها فارغ از همه‌ی مشکلاتی که داشته‌اند از یک چیز بیش از همه متضرر شده‌اند: "ضعف در دانش سیاسی". ضعف در سیاست، هرگونه توانایی و استعداد سرزمینی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نیز از بین می‌برد؛ از آنجا که سیاست برای اداره‌ی امور اجتماعی بشر است و انسان نیز موجودی اجتماعی است، لاجرم باید سیاست بیامورد. سیاست دانشی برای یادگیری چگونگی همکاری و منازعه برای نیل به هدف است. عدم تعادل در همکاری و منازعه، نیل به هدف را با مشکل و چالش روبرو می‌سازد. حتی امروزه نیز کم نیستند سیاست‌مدارانی که سیاست را در جنگ یا دیپلماسی خلاصه می‌کنند. اما در واقع، به

قول کارل فون کلاوزویتس، "جنگ دنباله سیاست است از طریق دیگر، و سیاست نیز دنباله جنگ است از طریق دیگر". موفقیت سیاسی در گرو تشخیص این مسئله است که چه زمانی، از چه راهی، با چه طرفی، برای چه مدت و به چه هدفی با دیگر بازیگران سیاسی به همکاری یا منازعه پرداخته شود. ظرافت تصمیم‌گیری سیاسی در پاسخ به این سؤالات است و هر سیاست‌مداری که در پاسخ به آنها زیرک‌تر عمل کند موفقیت سیاسی بیشتری کسب خواهد کرد.

از آنجا که سیاست‌ورزی امری مداوم و مربوط به اجتماع بشری است، نتایج اقدامات سیاسی نیز با گذشت زمان آشکار می‌شوند و همین قاعده‌ی مهم در سیاست‌ورزی باعث می‌شود سیاست‌مداران خبره هیچ وقت از سیاست‌ورزی ناامید نشوند چرا که می‌دانند سیاست یعنی امکان‌پذیری و سیاست‌ورزی یعنی هنر برای ممکن نمودن.

هاشم کرمی

کارشناس ارشد مطالعات خاورمیانه

۹ اردیبهشت ۱۳۹۱ - اهواز

Hashem.Karami1@Gmail.com

این کتاب بطور ویژه به بررسی جنبش‌های ناسیونالیستی کردی در ترکیه می‌پردازد. دامنه تحقیق از سال‌های دهه ۱۹۸۰ شروع می‌شود، در این سال‌ها درگیری بین دولت ترکیه و کردها، بویژه حزب کارگران کردستان (PKK) اثر قابل ملاحظه‌ای بر جنبش‌های ناسیونالیستی کردی در عراق گذاشته بود. ایجاد "منطقه‌ی امن" برای کردها در شمال مدار ۳۶ درجه شمالی توسط امریکایی‌ها، انگلیسی‌ها، و فرانسوی‌ها در خلال جنگ، در اصل به دستور تورگوت اوزال، رئیس جمهوری ترکیه صورت گرفت چرا که وی نگران هجوم خیل کردهای عراق به داخل ترکیه بود. از زمان ایجاد "منطقه‌ی امن" در سال ۱۹۹۱ و نیرویی که به تقویت ناسیونالیسم کردی در عراق و ترکیه بخشید، تنظیمات سیاسی آینده دو کشور حتی در هم پیچیده‌تر و نزدیک‌تر هم شد. در ۱۹۹۲ "منطقه‌ی امن" هسته‌ی حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) شد و در زمان اولین قانون اساسی پس از جنگ در ۲۰۰۵، KRG به قوی‌ترین نهاد سیاسی کردی خاورمیانه پس از قرون وسطی تبدیل شد. اگر چه دولت مستقلی به نام جمهوری مهاباد در اواخر ۱۹۴۵ تأسیس شد اما این دولت تا دسامبر ۱۹۴۶ دوام آورد و هیچ گاه نتوانست قدرت یا رسمیت بین‌المللی KRG را کسب کند.

ایجاد "منطقه‌ی امن" برای کردها در شمال عراق در سال‌های دهه ۱۹۹۰ مانع حمله مداوم نیروهای مسلح ترکیه (TAF) به شمال عراق نشد. حملات هوایی گسترده همزمان با حملات زمینی تا اواخر ۲۰۰۷ و اوایل ۲۰۰۸ علیه PKK ادامه یافت. به دلیل جنگ بین ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸)، نه بغداد و نه تهران نمی‌توانستند حمله نظامی قابل ملاحظه‌ای علیه PKK و پایگاه‌هایش در کوه‌های قندیل صورت دهند؛ در واقع، اکثر جنبش‌های ناسیونالیستی کردی عراق طی جنگ در کنار ایران بودند. حکومت بغداد از تهاجم ترکیه خرسند بود چرا که نمی‌توانست امنیت منطقه را خودش تأمین کند.

جنگ ایران-عراق از مراددی بود که سبب گرفتاری جنبش‌های ناسیونالیستی ترکیه و عراق شد. در اواخر ۲۰۱۰ ترکیه، عراق و جنبش‌های ناسیونالیستی کردی دو کشور بطور ناگشودنی به هم پیچیده شدند. در ۱۹۹۱ پس از اولین جنگ به رهبری ایالات متحده علیه عراق یا حتی پس از دومین جنگ نیز معلوم نبود که کردهای عراق می‌توانند به دولت دوفاکتویی در شمال عراق دست یابند؛ همچنین، معلوم نبود کردهای ترکیه به مطالبات خودمختاری دموکراتیک در مناطق اکثراً کردنشین دست یابند؛ از این رو، پایان ۲۰۱۰ به تقویت غیرقابل تصور و غیرقابل پیش‌بینی جنبش‌های ناسیونالیستی کردی سراسر خاورمیانه منتهی شد.

در این تحقیق به پیشرفت‌های بین سال‌های ۱۹۹۱ - ۲۰۱۰ می‌پردازم که سبب بی‌معنی و منسوخ شدن اصطلاحات "مسئله کردی"، "مشکل کردی" و "قضیه کردی" شدند. این اصطلاحات توسط اغلب دانشگاهیان و تحلیل‌گرانی که با تاریخ و سیاست کردها سروکار دارند بکار برده می‌شود. عبارات "مسئله"، "مشکل" یا "قضیه" به بیان بخش‌هایی از انواع سیاست‌ها، ابزارهای اجبار و نیروهای مسلحی اشاره دارند که کشورهای ترکیه، عراق، ایران و سوریه برای سرکوب فوونشانی و از بین بردن مقاومت جنبش‌های مختلف ناسیونالیستی کردی که طی قرون نوزدهم و بیستم و همچنین دهه اول قرن ۲۱ روی داده، استفاده کرده‌اند.

در سراسر دامنه‌ی ۳۰ ساله‌ی تحقیق، هر چهار دولت بخصوص ترکیه و عراق تقریباً از هر نیروی امکان‌پذیر قابل‌تصور برای از بین بردن جنبش‌های ناسیونالیستی کردی استفاده کرده‌اند. این شامل عملیات‌های پاک‌سازی قومی در هر دو کشور هم می‌شود. در حالی که پاک‌سازی قومی، شامل استفاده از حملات شیمیایی رژیم بعثی عراق در نتیجه حمله شیمیایی به شهر کردنشین حلبچه در مارس ۱۹۸۸ کاملاً شناخته شده است، اما عملیات‌های پاک‌سازی قومی ترکیه علیه کردها، بویژه پس از شروع درگیری مسلحانه پس از ۱۹۸۴ کمتر شناخته شده است. نه متحدین اروپایی و نه امریکایی ترکیه تمایلی به

انتشار عمومی اخبار لشکرکشی بی‌رحمانه‌ی متحدشان در ناتو علیه کردها در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ و دهه اول قرن ۲۱ نداشتند. طی این دوره زمانی، اگر چه برخی سازمان‌های غیرحکومتی (NGO) و دیگر سازمان‌ها در اروپا با کردها موافق بودند اما هم کشورهای اروپایی و هم ایالات متحده، حزب کارگران کردستان (PKK) را سازمان تروریستی اعلام کردند.

عملیات‌های پاک‌سازی قومی نیروهای مسلح ترکیه با تأکید نهادهای حکومتی مجبر به ریختن خون کردها در خانه و کاشانه‌هایشان طی سال‌های دهه‌ی ۱۹۸۰ شد و این وضعیت در اولین سال‌های دهه‌ی ۲۰۰۰ نیز ادامه داشت.

برآورد شده بیش از ۳ میلیون کُرد مجبور به فرار یا مهاجرت به شهرهای بزرگ شرق و جنوب‌شرقی ترکیه و همچنین مهاجرت به شهرهای بزرگی مانند استانبول، ازمیر و آنکارا یا شهرهای کناره دریای مدیترانه از آدنا تا مرسین و آنتالیا شده‌اند.

کشمکش‌های گسترده و مسلحانه‌ی جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ایران در اواسط دهه ۱۹۸۰ تا حدی فرونشسته بود. اما موفقیت جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در عراق پس از ایجاد منطقه‌ی امن در شمال عراق در سال ۱۹۹۱، تأسیس حکومت منطقه‌ای

کردستان در ۱۹۹۲، دست یافتن به امنیت برای منطقه‌شان پس از جنگ ایالات متحده علیه عراق و تصرف آن در ۲۰۰۳ و رسمیت یافتن بین‌المللی و پذیرش توسط حکومت بغداد و ارائه تضمین‌های قانونی به کردها در قانون اساسی ۲۰۰۵ سبب تقویت مطالبات کردها در کشورهای همسایه جهت کسب حقوق سیاسی و انسانی، فرهنگی و زبانی بویژه مطالبه‌ی خودمختاری سیاسی شد. در اواخر سال ۲۰۱۰، مقاومت و مطالبات کردها در سوریه بزرگ‌ترین چالش برای رژیم بشاراسد بود و این مسئله مزید بر چالش‌هایی شد که رژیم دمشق بخاطر روابط با حزب الله و حماس، با لبنان و اسرائیل داشت.

همان گونه که ذکر شد، اصطلاحات "مسئله کردی"، "مشکل کردی"، "قضیه کردی" و در مورد ترکیه "مسئله شرقی" توسط دانشگاهیان و تحلیل‌گران تاریخ و سیاست خاورمیانه برای اشاره به سیاست‌ها، روش‌ها و ابزارهای اجبار مخصوصاً نیروی نظامی و اعمال توطئه‌گرانه برای شکست جنبش‌های ناسیونالیستی کردی و هرگونه مقاومت آنها بکار می‌رود. مسئله، مشکل یا قضیه کردی این سوالات را برانگیخت که این حکومت‌ها چه سیاست‌ها، روش‌ها و ابزارهایی برای مدیریت مقاومت و مطالبات کردها در مورد حقوق سیاسی و فرهنگی‌شان بکار می‌برند به گونه‌ای که در نظر مقامات حکومتی و

دولتی هیچ چالشی به نهادهای حاکم دولت، نخبگان سیاست گذار و تصوراتشان از حاکمیت موجود، مشروعیت و اصول حکومتی دولت وارد نیاید.

تاکید دانشگاہیان و تحلیلگران طی بیشتر سال‌های قرن بیستم بر دولت بوده نه افکار و معانی، موضع‌های متقابل، مطالبات حقوقی یا گروه‌های قومی یا مذهبی مخالف. اصطلاحات "مسئله"، "مشکل"، "قضیه" کلماتی دولت محور بودند که در اصل به سیاست‌ها و ابزارهایی دلالت داشتند که ترکیه، عراق، ایران و سوریه به منظور مدیریت چالش‌های مطرح شده در این کلمات و اصطلاحات بکار می‌بردند.^۱ اصطلاح "مسئله کردی" بطور کلی دارای بار منفی ذهنی برای اشاره به احتمال دستیابی کردها به حقوق و مطالباتشان است.

در نتیجه جنگ ۱۹۹۱ به رهبری ایالات متحده علیه عراق، ایجاد منطقه‌ی امن برای کردها در شمال عراق، نابودی رژیم بعث و تقویت رو به رشد کردها در عراق و کسب حقوق اساسی به رسمیت شناخته

^۱ در مورد معنای اصطلاح "مدیریت" در متن کتاب خون، باورها و برگه‌های رأی: مدیریت ناسیونالیسم کردی در ترکیه بیشتر توضیح داده‌ام. مترجم: نسخه انگلیسی کتاب مزبور تحت عنوان Blood, Beliefs and Ballots: The Management of Kurdish Nationalism in Turkey ۲۰۰۷-۲۰۰۹ توسط انتشارات مزدا (Mazda Pub) و با حمایت دکتر احمد کامرون جباری چاپ شد. این کتاب در ایران تحت عنوان فوق در سال ۱۳۹۰ توسط انتشارات پانیز به چاپ رسید.

شده در سطح بین‌المللی و تصریح برابری در قانون اساسی، استدلال می‌کنم کاربرد اصطلاح "مسئله کردی" دیگر برای توصیف موقعیت کردها در عراق و ترکیه مفید نخواهد بود، با این حال در مورد ایران و سوریه کمتر این گونه است. اصطلاح مزبور باید با اصطلاحاتی چون "چالش کردی"، "موضوع کردی"، "سیاست کردی" و اصطلاحاتی این چنین جایگزین شود. استفاده از چنان کلمات و اصطلاحاتی سبب نادیده شدن تغییرات بزرگی می‌شود که در روابط بین کردها، ترک‌ها، ایرانیان و سوری‌ها طی ۳۰ سال گذشته روی داده است. با این حال، در این تحقیق به استفاده از اصطلاح "مسئله کردی" ادامه خواهم داد چرا که خوانندگان با معنی آن بیشتر آشنا هستند.

وقتی به این اندیشیدم چگونه عصاره دیدگاه‌ها و تفاسیرم را به بهترین نحو در تحقیق بیاورم، برایم روشن شد که زمینه‌های مهم کشمکش جنبش‌های ناسیونالیستی کردی در ترکیه طی ۳۰ سال گذشته با سه جنبه مهم روابط میان دولت، نیروهای مسلح ترکیه (TAF)، احزاب سیاسی بویژه دو یا سه حزب برتر حکومت در هر زمان معین، حزب کارگران کردستان (PKK) و جنبش‌های ناسیونالیستی کردی بطور کلی سروکار داشته‌اند.

اولین زمینه مهمی که در قانون بررسی قرار می‌گیرد تلاش‌های حکومت، دولت و TAF برای شکست PKK و حامیان آن به هر طریق

ممکن است که شامل کشتن آنها در درگیری‌های مسلحانه، ترور، زندانی، شکنجه، توقیف، بازداشت و دیگر اشکال بی‌شمار تهدید و ارباب می‌شود. این تلاش‌ها برای شکست جنبش‌های ناسیونالیستی کردی در همه ابعاد و جوانب، بستن همه احزاب سیاسی سازماندهی شده یا احزابی نیز که گمان می‌رفت به هدف مطالبه حقوق سیاسی یا فرهنگی و زبانی کردی سازماندهی می‌شوند صورت می‌گرفت. دولت و حکومت‌های مختلف تلاش‌های نامشروع مخفیانه‌ی زیادی برای از بین بردن سازمان‌های جنبش‌های ناسیونالیستی کردی انجام دادند. در انجام این تلاش‌ها نظامیان فعال و بازنشسته، پلیس، سازمان‌های اطلاعاتی، نهادهای قضایی و آموزشی در کنار دیگر عوامل فعالیت می‌کردند. در اواخر دهه ۱۹۹۰ عملیات‌های این "دولت پشت پرده" پس از اقامه دعوی دادستان‌های دولت بیشتر و کامل‌تر فاش شدند. یکی از معروف‌ترین این سازمان‌ها ارگنکون بود که بعداً به آن خواهم پرداخت. ارگنکون سازمان سرّی مشهوری بود که چه بسا مورد تأیید دولت، حکومت‌ها، احزاب سیاسی، نیروهای مسلح ترکیه و سازمان‌های اطلاعاتی نیز بود.

وجود ارگنکون و فعالیت‌هایش نشان‌دهنده حوره گسترده‌ای بود که اعضای آن برای شکست جنبش‌های ناسیونالیستی کردی درصدد انجامش بودند. در واقع، پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و

توسعه (AKP) در نوامبر ۲۰۰۲، ارگنکون عملیات‌هایی برای بی‌نتیجه کردن برنامه‌ها و سیاست‌های AKP و پایین کشیدن این حزب از مسند قدرت انجام داد.

دومین زمینه مهمی که این تحقیق مورد بحث قرار می‌دهد قضیه زبان و حق کردها برای مورد آموزش قرار گرفتن با زبان مادری خودشان است. در اواخر ۲۰۱۰ قضیه حق آموزش به زبان مادری در کانون توجه مطالبات سیاسی کردها قرار گرفت. از این‌رو، بطور ویژه به این دو زمینه مهم نیز خواهم پرداخت یعنی مبارزه مسلحانه، عملیات‌های نامشروع سری (ارگنکون)، مسئله زبان و این که چگونه جنبش‌های ناسیونالیستی کردی در ترکیه را تحت تأثیر قرار داده‌اند بررسی خواهم کرد.

سومین زمینه‌ای که پس از ۱۹۹۵ بیشتر اهمیت یافت روابط بین ترکیه و حکومت منطقه‌ای کردستان در عراق بود. این روابط پس از حمله و تصرف عراق در ۲۰۰۳ قوی‌تر هم شد زیرا در پایان سال ۲۰۱۰ شاهد یک منطقه کردی خودمختار قوی در شمال عراق هستیم که در بسیاری ابعاد تقریباً از حکومت بغداد مستقل است.